

نگاهی به اشتراکات مراسم تولد فرزند در ایران باستان و بلوچستان معاصر

عابده بلوچی^۱، امان الله تمنده رو^۲

چکیده

فرهنگ، تمدن و اعتقادات ملی و مذهبی ایرانیان باستان به قدری ژرف و گسترده بوده که برخی جنبه های آن از دوران ایران باستان تا به حال تداوم یافته و با گذشت بیش از هزار و چهار صد سال از انقراض سلسله ساسانیان اثرات آن در آداب و رسوم و اعتقادات توده مردم این مرز و بوم مشاهده می شود و به نظر می رسد اشتراکاتی با اعتقادات مردمان بلوچ امروزی نیز دارد. این امر نشان از سکونت و حضور اقوام بلوچ از دوران باستان در فلات ایران دارد. تولد فرزند از دیرباز برای ایرانیان باستان و به خصوص مردم بلوچستان از وقایع خجسته و رویدادهای فرخنده به شمار می رفته و مردم این سرزمین برای آن مراسمی برگزار می کرده اند که دارای تنوع و تفصیل بوده است. از جمله آداب فرهنگی مشترک میان دوران باستان و بلوچستان می توان به افروختن آتش در شب و روز در خانه زنی که تازه زایمان کرده اشاره نمود. همچنین رسمی به نام دعا خوانی وجود داشته و فرزندآوری مورد توجه بوده است. با توجه به این اشتراکات، این سوال پیش می آید که مراسم تولد فرزند در ایران باستان و بلوچستان امروزی در چه وجوه دیگری مشابهت دارند. از آنجایی که سرزمین بلوچستان و فرهنگ ساکنین آن کمتر برای محققان ایران شناس و علاقمندان به فولکلور ایران شناخته شده است، پژوهش حاضر کمک می کند این محققان داده های شفاف تری در خصوص یکی از مولفه های فرهنگ مردم بلوچ که مراسم تولد فرزند است بدست آورند و در قیاس با این مراسم در دوران ایران باستان، شناخت بهتر و بیشتری از اشتراکات فرهنگی اقوام ایرانی و سابقه تاریخی و تمدنی آنان به دست آورند. داده های این پژوهش به روش کتابخانه ای و میدانی با تکنیک مصاحبه و همچنین مشاهدات و تجربیات پژوهشگر جمع آوری شده اند.

واژگان کلیدی: مراسم تولد، ایران باستان، بلوچستان، فرهنگ، فرزند آوری

abedeh20@gmail.com

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی، دانشگاه ولایت

amanirani@gmail.com

۲- استادیار گروه تاریخ و مردم شناسی، دانشگاه ولایت

قوم بلوچ در کنار دیگر اقوام ایرانی بخشی از هویت و ملیت ایران است. هر قومی به شناخت فرهنگ و نوع زندگی اجداد و گذشتگان خویش علاقمند بوده است و از آنجایی که فرهنگ و تمدن و اعتقادات مذهبی و ملی ایرانیان باستان به قدری غنی و گسترده بوده است که بعد از گذشت چهارده قرن از انقراض سلسله ساسانیان اثرات خود را در آداب و رسوم و اعتقادات توده مردم این مرز و بوم و به خصوص مردم بلوچستان بر جای گذاشته است. بر اساس منابع موجود می توان گفت که تاریخ بلوچ و بلوچستان نیز ریشه در دوران باستان دارد و بلوچ ها علاوه بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی مانند زبان، شعر و موسیقی و اعتقادات و باورها، در زمره مراسم تولد فرزند نیز اشتراکاتی با سایر ایرانیان به خصوص ایرانیان دوران باستان دارند. مراسم تولد فرزند از مهمترین مراسم دوران باستان بوده و به لحاظ فرهنگی و آیینی مورد توجه قرار می گرفته است. از آنجایی که یکی مهمترین وظایف هر زن و مرد تولید مثل و افزایش بنی نوع بشر بوده؛ تولد فرزند آنچنان در نزد ایرانیان باستان ارزش و اهمیت داشته که اهورا مزدا شخص خانمان داری را بر بی خانمان و فرزند داری را بر بی فرزند برتر می شمرد و طبق آیات مقدس اوستا بزرگترین آرزوی یک دوشیزه ایرانی دارا شدن شوهر دانا و تواناست که بتواند او را صاحب فرزندی نیک و شاهدوست و میهن پرست و انجمن نشین سازد. در آیات قرآن کریم و در روایات نیز در مورد فرزندآوری و اهمیت آن اشاراتی شده است و همانطور که از نظر زرتشتیان فرزند و فرزندآوری مهم و دارای ارزش بوده، این امر در دین اسلام نیز دارای ارزش و اهمیت است به طوری که در قرآن کریم شاهد آیات متعددی در مورد فرزندآوری و بیان اهمیت آن هستیم. به طور مثال خداوند در سوره فرقان آیه ۷۴ خطاب به بندگان خود فرموده "به کسانی که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آنان ده که مایه روشنی چشمان باشند و ما را از پیشوای پرهیزگاران گردان!". آیه ذکر شده دلالت بر این می کند که فرزند مایه روشنی چشم انسان می باشد و موجب رستگاری می گردد. بنابراین می توان گفت به علت غنای فرهنگ و تمدن ایرانی، این آداب و اعتقادات از دوران باستان تا دوران اسلامی تداوم یافته است.

بلوچ و بلوچستان

بلوچستان به سرزمین پهناوری گفته می شود، که «در قرن هجدهم لرد کرزن انگلیسی مرز آن را چنین توصیف می کند: منطقه ای بین هلمند و دریای عرب و بین کرمان و سند» (یادگاری، 1386: 27). همه این مناطق به جز دره سند در فلات ایران قرار دارد و با تاریخ و فرهنگ ایرانی پیوندی گسستناپذیر دارد. بلوچستان سرزمین وسیعی است که در سه منطقه هم مرز بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان واقع شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، بلوچستان ایران است که دارای دو ناحیه سرحد و مکران است. سرحد شامل شهرستان های خاش، زاهدان، تفتان و میرجاوه است و بقیه شهرستان های جنوبی، مکران را شامل می شوند. «بر اساس منابع تاریخی، مانند

شاهنامه و تواریخ اسلامی، بلوچها قومی ایرانی بوده‌اند و همیشه در کنار سایر ایرانیان مانند پارس‌ها، پارت‌ها مادها، گیل‌ها و دیگر اقوام ایرانی به سر می‌بردند. ایرج افشار سیستانی که نظریات جمعی از پژوهشگران نژادشناس را مورد بررسی قرار داده است، از مجموع نظریات آن‌ها چنین نتیجه‌گیری می‌کند: قوم بلوچ از روزگاران کهن در این سرزمین ساکن بوده‌اند و قدمت آنان به تاریخ مدون ایران می‌رسد. بنابراین باید قبول کرد که قوم بلوچ، آریایی نژاد و به بیان دیگر ایرانی نژاد هستند» (محمودزهی، 1378: 8)

اشتراکات مراسم تولد فرزند در دوران باستان و بلوچستان معاصر

اهمیت فرزند

در اجتماع ایرانیان باستان نخستین وظیفه هر مرد و زن تولد نسل و افزایش بنی نوع بشر بوده تا بدینوسیله بر سپاهیان سپنتامینو یا نیکی بیفزاید و به نابودی نیروی انگره مینو یا بدی برآید. در اوستا آمده که اهورامزدا شخص خانمان داری را بر بی خانمان و فرزند داری را بر بی فرزند برتر شمارد و طبق آیات مقدس اوستا بزرگترین آرزوی یک دوشیزه ایرانی داراشدن شوهر دانا و تواناست که بتواند او را صاحب فرزندانی نیک و شاهدوست و میهن پرست و انجمن نشین سازد. (شهزادی، ۱۳۴۷)

در دوران اسلامی نیز با نگاهی گذرا به آیات و روایاتی که درباره فرزند بیان شده است می‌توان به نگرش اسلام به فرزند و اهمیت آن آگاه شد. در روایتی که امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند فرموده است: "فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است"؛ همچنین به تشکیل خانواده در آیات و روایات اسلامی چندین بار توصیه شده است و یکی از بزرگترین حکمت‌های آن کسب آرامش روحی و روانی می‌باشد. علاوه بر سفارشات دینی می‌توان به ابعاد سیاسی نیز اشاره نمود که افزایش جمعیت و زاد و ولد در کشور موجب توقف پیری کشورها بوده است. (حسینی، ۱۴۰۱)

گذشته بلوچستان نشان می‌دهد که از آنجا که زندگی ساده و ابتدایی و معیشت بر پایه دامداری و کشاورزی به طریق سنتی بوده است و نیاز به نیروی کار بیشتر احساس شده و تامین آن فقط از طریق بالابردن زاد و ولد استوار بوده است و نتیجتاً هر خانواری سعی کرده است برای گذراندن زندگی و امرار معاش به طور دسته جمعی مشغول به کار شود تا اینکه بتوانند مخارج زندگی خود را تامین کنند، بنابراین در گذشته زندگی دامداری و کشاورزی مردم بلوچستان را وادار که فرزندان زیادی داشته باشند؛ علت دیگری که مردم بلوچستان به داشتن فرزندان زیاد افتخار می‌کردند سنتی بودن جامعه می‌باشد و همچنین آنان در گذشته و تاحدودی در حال تاکیدشان فقط و فقط بر این است که پیامبر اسلام (ص) به زیادی امت افتخار می‌کند. (طوقی، ۱۳۷۹)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که زیادی فرزند در هر دو جامعه مورد توجه بوده و هنوز هم در بلوچستان ازدیاد فرزند وجود دارد ولی به دلیل مدرن شدن جامعه و تغییر و تحولات جامعه در بلوچستان معاصر به آن کمتر توجه می شود.

مراسم دوران حاملگی

زنان ایران باستان در دوره حاملگی در انتظار دیگران بسیار محترم بوده و همه موظف بودند منتهای کوشش خود را در فراهم ساختن وسایل راحتی آنان بکار برند و زنان آبستن را از مشاهده مرده انسان یا حیوانات باز داشته و نمی گذاشتند چشمشان بر هرگونه مناظر متاثر کننده یا اشیاء پلید و نسا افتد. (شهزادی، ۱۳۴۷)

مردم بلوچ نیز عقیده دارند که اگر زن حامله جنازه در حال حمل را ببیند یا چشمش به مرده بیفتد فرزندى که در شکم دارد شور چشم می شود و بنابراین زن حامله را از دیدن جنازه ممنوع می کنند. کسی که از مراسم تشییع جنازه و دفن و کفن مرده برگشته حق ندارد به خانه ای که تازه طفلی متولد شده است قدم گذارد زیرا انجام این کار را بدشگون می دانند و عقیده دارند که طفل تازه متولد شده خواهد مرد. (ناصری، ۱۳۵۸)

مراسم هدیه دادن

در بین پارسیان هند رسم است زنی که برای اولین بار حامله می شود چون به ماه هفتم بارداری رسد بستگانش هدایایی به او و شوهرش پیشکش می کنند که در بین آنها نارگیل و شیرینی می باشد. (شهزادی، ۱۳۴۷). پارسی ها از اقوام باستانی ایرانی زرتشتی مذهب هستند که قرنها پیش به هندوستان مهاجرت کرده اند.

رسم هدیه دادن به زن حامله هم اکنون در اکثر نقاط بلوچستان وجود دارد و زمانی اجرا می شود که بستگان و فامیل به دیدن زن زائو می روند هدایا و پیشکشی به صورت نقدی و غیر نقدی مثلا لباس و وسایل دیگر برای نوزاد به او هدیه می دهند.

دعای تندرستی برای زنان باردار

در ایران باستان رسم چنان بوده که چون زنی به ۹ ماهگی باروری می رسد شوهر یا کسان او موبدان را به منزل دعوت کرده تا برای تندرستی زن و سلامتی جنین و سهولت وضع حمل دعای مخصوص بخواند و این دعا آیان یشت می باشد، این رسم هنوز بین زرتشتیان معمول است. (شهزادی، ۱۳۴۷)

در بلوچستان این رسم چنین است و آن را میتوان در نزدیکی با آنچه که در ایران باستان بوده قرار داد؛ وقتی زنی حامله می شود برای محافظت زن حامله و زائو از اجنه و رفع کسالت وی در سه ماه اول بارداری او به نزد عالمان دینی می روند و از وی دعا می خواهند و همچنین در سه ماه آخر بارداری برای سهولت زایمان نیز این دعا را از

عالمان دینی می خواهند که مولوی یا همان عالم دین این دعاها را روی کاغذ نوشته و به صورت تعویذ درمی آورد که برخی از آنها خوردنی، سوزاندنی و به گردن آویختنی هستند. (بلوچ زاده نیا، ۱۳۲۱)

تولد نوزاد

تولد نوزاد در خانه از وقایع خجسته و رویدادهای فرخنده زندگی یک خانواده ایرانی به شمار می رفت و به میمنت چنین روزی هر سال جشن سالگرد فرزندان خود را با شور و شغف فراوان همراه با اهداء هدایایی به فرزندان خانواده او برگزار می شد و این رسم هنوز باقیست. (شهزادی، ۱۳۴۷)

جشن سالگرد تولد با عنوان جشن تولد برگزار می شود و بیشتر در بین مردم فارسی زبان رواج دارد ولی به علت ارتباطات بلوچ ها و بلوچستان با سایر قومیت ها، استان ها و حتی کشورها و مدرنیته شدن جامعه فرهنگ مردم بلوچ تحت تاثیر قرار گرفته و این جشن را نیز در بلوچستان برگزار می کنند.

روشن نگه داشتن چراغ نزد زن حامله و زائو

در ایران باستان مرسوم بود که هنگام تولد یک نوزاد در اتاق زائو چراغ روشن کرده و گاهی آتش می افروختند زیرا معتقد بودند روشنایی و فروغ آتش زائو و نوزاد را از هر گزندی ایمن خواهد داشت. گاهی روشن کردن چراغ تا سه شب و ده شب و گاهی هم تا چهل شب ادامه پیدا می کرد چنانکه در صدرنثر صفحه ۱۵ در شانزدهم می خوانیم: «هنگام بچه زادن تا سه شب باید چراغ روشن کرد ولی اگر آتش افزوند بهتر باشد... در دین پیداست که زرتشت اسپنتمان چون از مادر جدا شد سه شب هر شب دیوی با ۱۵۰ دیو بیامد تا زرتشت را هلاک کنند چون روشنایی بدیدند بگریختند و هیچ گزند و زیانی نتوانستندی کردن تا چهل روز فرزند تنها نشاید که بگذارند». (آذرگشسب، ۱۳۵۵)

ایرانیان باستان معتقد بودند که تا چهل روز نباید کودک را تنها گذاشت زیرا نوزاد بسیار نازک است و با اندک گزندی از پای درآید پس روشنایی چراغ یا آتشی و پرستاری دائم مادر در این هنگام سبب می شود که به کودک زیانی نرسد و علت دیگر روشن نگه داشتن چراغ را نزد زن زائو و طفل نوزاد زودن عوامل ناخوشی و اثرات سوء روانی از زائو و طفل اوست که به نام درج خوانده شده است. (شهزادی، ۱۳۴۷)

در بین مردم بلوچستان نیز پس از تولد نوزاد تا ۱۴ الی ۴۰ شب زن زائو و طفل را تنها نمی گذارند و طفل و مادر را در پشه بند قرار می دهند و همیشه در آنجا چراغ یا لامپ را روشن نگه می دارند تا جن یا موجودات دیگر در زمان ناپاکی به زن زائو حمله نکند و یا به نوزاد آسیب نرسانند. (بلوچ زاده نیا، ۱۳۲۱)

پس از تولد نوزاد

در ایران باستان پس از زایش کودک و شستشوی آن چند قطره شیره گیاه هیوم را که قبلا با تشریفات خاصی توسط موبدان تهیه و آن را به نام پراهیوم به دهان نوزاد میریختند و آنگاه به طفل شیر می‌دادند. (شهبزادی، ۱۳۴۷)

در بلوچستان نیز همچین کاری را انجام می‌دادند که به این عمل نوک زدن می‌گفتند یعنی نوک کودک را بالا می‌آوردند که یا با گذاشتن انگشت شصت در دهان نوزاد و یا گذاشتن خرما در دهان آن این کار را انجام می‌دادند تا کودک خرما را بمکد و آماده شیر خوردن شود.

نام گذاری نوزاد

ایرانیان پس از تولد فوراً برای نوزاد خود نامی انتخاب نمی‌کنند بلکه پس از اینکه به چگونگی حالت جسمی و روحی فرزند خود پی برند اسمی که شایسته خلق و خوی او باشد به او می‌دهند. عده‌ای فرزندان خود را به نام ایزدان نامزد کرده و بهمن و مهر و سروش می‌نامیدند، در بین مسلمانان و مردم بلوچستان نیز صفات خداوند را با اضافه کردن پیشوند "عبد" برای نام فرزندان خود انتخاب می‌کنند. در دوران باستان گاهی برای انتخاب نام با ستاره شناسان مشورت می‌کردند که در بلوچستان با عالمان دینی مشورت می‌کنند تا نامی نیک را بر روی فرزندان خود بگذارند و همانطور که در دوران باستان زادروز طفل را به عنوان نام او انتخاب می‌کردند در بلوچستان نیز مرسوم بوده که نام روزهای هفته به جز یکشنبه و سه شنبه را بر روی فرزندان بگذارند و اگر کسی روز عید دنیا می‌آمد گاه اسم او را عیید می‌گذاشتند. در دوران باستان اسم‌های بیگانه غیر فارسی نمی‌گذاشتند اما بعد از اسلام اسم‌های عربی و فارسی روی بچه می‌گذارند و در بلوچستان نیز اسم‌های عربی و فارسی با هم ترکیب شده‌اند.

اعتقاد به چشم زخم

در بین ایرانیان باستان مرسوم بوده هرگاه انسان یا حیوانات یا هر چیز قشنگی را می‌دیدند و یا اگر کسی هنرنمایی می‌کرد که موجب شگفتی دیگران می‌شد نام خدا را بر زبان می‌آوردند تا طرف از چشم زخم محفوظ بماند. (آذرگشسب ۱۳۵۵)

در ایران دوره اسلامی و بلوچستان نیز عقیده به چشم زخم بین مردم رواج داشت و هر وقت صورت زیبا و چیز قشنگی را می‌بینند و یا هوش و استعداد سر شادی را در کسی مشاهده می‌کردند ماشاءالله و تبارک الله را بر زبان می‌آوردند تا بلایی متوجه طرف نشود و دود کردن اسفند نیز به همین منظور دود می‌کنند. (همان)

این باور هنوز در نزد مردم بلوچ به شدت رایج است و ریشه‌های آن را می‌توان در دوران باستان جست و جو نمود؛ برای باطل کردن آن راههای مختلفی وجود دارد که رایج‌ترین آن دود کردن اسفند (گنداکو) است.

نتیجه گیری

از آنجایی که فرهنگ و تمدن ایران باستان عمیق و گسترده بوده می‌توان نتیجه گرفت که تاثیر خود را بر باورها و فرهنگ دوران های بعدی، دوران اسلامی گذاشته است. مراسم تولد از مراسم مهم دوران باستان و بلوچستان است که دارای بخش هایی مشترک هستند و فرزندآوری در هر دو دوران دارای ارزش و اهمیت است و هم در اوستا و هم در قرآن و احادیث پیامبر(ص) و امامان به آن اشاراتی شده است. یافتن اشتراکات فرهنگی بین گروه های قومی کمک می کند ریشه های تاریخی و نژادی اقوام و تعلقات جغرافیایی شان شناخته شود. مردم بلوچ از قدیمی ترین ساکنین فلات ایران و از اقوام کهن این سرزمین هستند. ریشه های زبانی، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک این قوم با دیگر اقوام ایران باستان نشان از این باور دارد. اشتراکات مراسم تولد فرزند در ایران باستان و بلوچستان معاصر یکی از جنبه های نزدیکی فرهنگ مردم بلوچ و فرهنگ ایران باستان است که در این پژوهش به بخشهایی از آن پرداخته شد. با بررسی دقیق تر دیگر مولفه های فرهنگی می توان به جنبه های دیگری از اشتراکات فرهنگی بلوچ ها و اقوام باستانی ایران پرداخت. زبان، فولکلور، لباس و مراسم دینی می توانند زمینه های تحقیق برای دیگر پژوهشگران باشند.

منابع

- 1- آذرگشسب، فیروز، ۱۳۵۵. *تداوم آداب و رسوم ایرانیان پیش از اسلام در دوران اسلامی*، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره پانزدهم، شماره ۱۸
- 2- شهرزادی، رستم، *انجمن فرهنگ ایران باستان*، دوره ششم، مهر ۱۳۴۷، شماره ۲
- 3- حسینی، منصور، قهرمانی، محمد جواد، ۱۴۰۱، *بررسی اهمیت فرزندآوری براساس آموزه های دینی*، دومین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران
- 4- طوقی، حمید، ۱۳۷۹، *جامعه نوین بلوچستان*، زاهدان، انتشارات صدیقی
- 5- محمودزهی، موسی، ۱۳۷۸. *مقایسه زبان بلوچی با زبان های ایرانی باستان*، رساله‌ی دکتری فرهنگ و زبان های باستانی، دانشگاه تهران: واحد علوم و تحقیقات
- 6- ناصری، عبدالله، ۱۳۵۸، *فرهنگ مردم بلوچ*، تهران، نشر بی نا

مصاحبه

بلوچ زاده نیا، مهتاب (۱۳۲۱)، خیرآباد_ایران شهر، ۱۴۰۲/۷/۲۵